

خرابات

ضایعات دنیای جدا افتاده و پرسوءتقاهم



جواد طوسی

● در جشنواره‌ای با تعداد زیادی فیلم متوسط و زیر متوسط و چند فیلم بالای متوسط و تک‌وتوک خوب، چاره‌ای نداری که با غمض عین به قضاوت بپردازی. انکار در اینجا همه متکی به خود هستند و کسی عادت ندارد در جهت استحکام هرچه بیشتر فیلم‌نامه تلاش و با افراد اهل فن در این زمینه و حوزه‌های جامعه‌شناختی و زیبایی‌شناسی تصویر مشورت کند. براساس همین اصل، با اشکالات اساسی حقوقی و قضائی و روان‌شناسی فردی و اجتماعی و منطق‌پذیری روایی مواجه می‌شوی که با کمی هم‌فکری می‌شد آنها را سروسامان داد؛ اما زمانی خالق اثر با تهیه‌کننده درصد نمایش فیلم برای عده‌ای برمی‌آید که فیلم‌برداری خاتمه یافته و تدوین نهایی و صداگذاری انجام شده و اظهار نظر و پیشنهاد در این مرحله بی‌فایده است. این استبداد و خودمحوری و نداشتن روحیه تعامل، یکی از عوارض اصلی سینمای ایران است؛ البته گسست در روابط و مناسبات اجتماعی و نگاه تردیدآمیز و بدبینانه افراد به یکدیگر در تشدید چنین وضعیتی نقش بسزا دارد. گویا سازنده فیلم اجتماعی متوجه نیست که خودش در وهله اول باید از این روحیه اجتماعی و ظرفیت‌پذیری انتقاد و تبادل نظر برخوردار باشد. از سوی دیگر، با فیلم‌سازی رو به‌رو هستیم که «مقاوت‌بودن» را به شکلی غلط و متفرعانه تعریف و اجرا می‌کند و نتیجه کارشان آثار ناموفقی است که با افراط در فرم‌گرایی و بیان ذهنی، نه مخاطب عام دارند و نه مخاطب خاصی که بر پایه فهم و درک وسیعش بتواند کار تقلبی و متظاهرانه را از کار اصیل و عمیق تشخیص دهد. این بماند که اساسا توجه زیاد به فرم و ذهنی‌گرایی و بیان سوررئال، چه سنگینتی با دنیای معاصر ما و قواعد اجتماعی (و حتی حوزه‌های روشنفکرانه) دارد؟ از زوایای دیگر همین فضای پرسوءتقاهم و نامتعادل باعث شده حتی در محیط‌های فرهنگی نیز شاهد نگاه‌های یک‌سویه و مغرضانه و کینه‌توزانه و بارکشی‌های تابلو باشیم که خودآگاه یا ناخودآگاه به دیدگاهی ماکیاوولی ختم می‌شود. در چنین فضا و روابط مسمومی به خود حق می‌دهی با خنده و نیش و کنایه و بیان مطالب پَرت و غیرکارشناسی شفاهی در محافل عمومی و فضای مجازی، اصالت و ارزش‌ها و بیان جسورانه و زمانه‌شناسانه اثری را بی‌رحمانه نادیده بگیری و واقعیت جاری در آن را تحریف کنی و نسخه‌ای غلط و مخدوش برایش تجویز کنی تا (به تصور خودت) زهرت را بریزی و دلت حسابی خنک شود. این شیوه برخورد حسابرگانه و ناجوانمردانه و خصمانه را درباره «قاتل اهلی» مسعود کیمیایی شاهد بودیم. اتفاقا در شرایطی که این فیلم او از جنبه‌های مختلف در مقایسه با برخی از آثار ناموفقش در این سال‌ها می‌تواند از جنبه‌های مختلف مضمونی، اجتماعی، جهان‌بینی و ساختاری قابل بحث و دفاع باشد، عده‌ای از همین جماعت بیگانه با فرهنگ و اخلاق و شرف انسانی به جای نقد منصفانه ترجیح دادند به‌طور همدفند تیشه به ریشه بزنند که البته در این هدف خود به نتیجه مطلوب نرسیدند.صحبت اساسی درباره «قاتل اهلی» به عنوان مهم‌ترین و تاریخ‌سازترین فیلم جشنواره تانکون، بماند برای فرصت مناسب، فقط در این کشمکش پایان‌ناپذیر میان تهیه‌کننده و فیلم‌ساز، یک پیشنهاد سازنده برای فهمیده‌شدن کار می‌دهم؛ باید مشخص شود که ما در این فیلم درباره شخصیت بهم‌ن (با بازی پولاد کیمیایی) با یک عاشق سرگشته طرفیم که آن‌طور در لابه‌لای ماشین‌ها بغضش را بیرون می‌ریزد یا با خواننده معترضی که از «نسل خودش» دم می‌زند؟ در حالت اول که بهتر جواب می‌دهد و بیشتر به دل می‌نشیند، باید برای حفظ و تعادل ریتم فیلم، صحنه‌های تصنیف‌خوانی بهم‌ن را کوتاه‌تر کرد.

زیر آسمان فیروزمای

پیانست زاینی در جمع نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران

● شرق: ارکستر سمفونیک تهران در دنباله اجراهای موفقیت‌آمیز خود با گروه‌های بین‌المللی در تالار وحدت این‌بار میزبان یک پیانیست زاینی می‌شود. ارکستر سمفونیک تهران که پیش از این اجراهای موفقی در تالار وحدت روی صحنه برده بود، این‌بار با قطعاتی از اجراهای قدیم و جدید روی صحنه می‌رود. خاتم اتسکو هیروسه، پیانیست اهل کشور زاین، در اجرای پیش‌رو ارکستر سمفونیک تهران را همراهی می‌کند. قطعاتی که قرار است ارکستر سمفونیک به رهبری شهرداد روحانی اجرا کند عبارتند از: کنسرتو پیانو شماره ۲ اثر راخمانینوف، سولست اتسکو هیروسه، اورتور ویلیام اتل اثر جاموמו پوچینی، دستیار شعبده‌باز اثر پال دوکا و کابریس ایتالیایی اثر پتر چایکوفسکی. اجرای ارکستر سمفونیک تهران، در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن در تالار وحدت برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت ایران‌کنسرت مراجعه کنند.

شرق: در نشست خبری فیلم سینمایی قاتل اهلی، حاشیه‌ها تبدیل به متن شد. در دعوای لفظی مسعود کیمیایی (کارگردان) و منصور لشکری‌قوچانی (تهیه‌کننده)، آنچه باید گفته شود، گفته شد که فیلم برخلاف میل تهیه‌کننده همچنان بلند است و باید کوتاه شود اما کارگردان را بر حق طبیعی خود می‌داند که بنا بر ذوق درونی‌اش، قاتل اهلی را برای اکران عمومی‌اش سروسامان دهد و البته همچنان معتقد است چند دقیقه‌ای می‌شود از مدت زمان اکرانش کاست. در این نشست که از ساعت یک تا ساعت دو بامداد یکشنبه ۱۷بهمن، در برج میلاد به درازا کشید، علاوه بر کارگردان و تهیه‌کننده، پولاد کیمیایی و پگاه آهنگرانی (بازیگران فیلم) حضور داشتند.در بخشی از این نشست، درگیری لفظی بین مسعود کیمیایی و تهیه‌کننده فیلم ایجاد شد و در پایان نشست حتی پادرمیانی مجری نشست نیز در آرام‌شدن بحث‌ها اثر نداشت. در پایان نیز مسعود کیمیایی به میانجیگری گبرلو برای روبوسی و آشتی با تهیه‌کننده جواب رد داد.مسعود کیمیایی در ابتدای نشست در سخنانی گفت: آمدن به اینجا و نشستن مقابل شما تبعات دارد که بخشی از آن را در سینما و هنگام نمایش فیلم دیدیم. این فیلم برای ترس‌هاست مانند سازنده‌اش. ساخت این فیلم بسیار سخت بود و دو سال برای ساخت آن معطل شدم، مهم این است که من برای تو فیلم ساخته‌ام و برای تو اینجا هستم و هیچ چیز دیگری مهم نیست نه دسیسه می‌ماند و نه سیاهی.لشکری‌قوچانی نیز بیان کرد: ساخت این فیلم بسیار سخت بود اما اتفاق‌ها گذشت. متأسفانه شب گذشته جواد بیات مدیر فیلم‌برداری پشت‌صحنه فیلم فوت کرد و خیلی ناراحت شدیم.پگاه آهنگرانی از صمیم قلب ابراز کرد از اینکه در کنار مسعود کیمیایی است، خوشحالت است و اینکه در این فیلم خوششان بیاید. آیا شما کرده، عجیب نیست؛ چون کیمیایی به من پیشنهاد داد و من وسوسه شدم. مگر می‌شود کیمیایی پیشنهاد دهد و یک بازیگر وسوسه نشود؟امسعود کیمیایی در پاسخ به خبرنگار یک روزنامه که از این فیلم خوشش نیامده بود و نسبت به کارگردانی‌اش معترض بود، گفت: می‌دانم شما نباید از این فیلم خوششان بیاید. آیا شما تا امروز فیلم ساخته‌اید؟ به‌هرحال موضوع این فیلم موضوع رسانه‌هاست و لحنی که در آن وجود دارد لحنی است که واقعا در رسانه‌ها استفاده می‌شود.بنا بر گفته کیمیایی، بعد از پایان‌یافتن سناریو، از بهزاد عبدی خواست موسیقی را برای یک فیلم ۱۰۸دقیقه‌ای بسازد؛ البته فیلمی که شما دیدید ۱۰۹ دقیقه‌است و جا دارد که ز مان آن به ۱۰۵ دقیقه کاهش پیدا کند.کیمیایی در ادامه در پاسخ به این پرسش که چرا در قسمتی از فیلم با وجود اینکه به سر پرستویی تیر می‌خورد ولی او دقیقی راه می‌رود، گفت: تیر به سر پرستویی نخورد، خودروی او منجر شد.

پاسخ به مهرجویی

کارگردان فیلم «قاتل اهلی» در پاسخ به سؤالی درباره اینکه با توجه به یادداشت داریوش مهرجویی، بدهی نسل شما از چه کسی باید طلب شود، اظهار



کیوان کثیریان

اول: توضیح واضحات

خیلی تکراری و کلیشه‌ای است که بگویم کیمیایی از بزرگ‌ترین سینماگران دوران ماست و در دوره‌ای از پیشروترین‌ها. خب هست و این ویژگی با مرور زمان کم نمی‌شود یا از بین نمی‌رود. با بگویم در لیست شاهکارهای تاریخ سینمای ایران هنوز هم بیشترین سهم را او و فیلم‌هایش دارند؛ طبعاً دارند. یا بگویم تا همین حالا هم با آنکه برخی فیلم‌هایش کیفیت متقاعندکنده‌ای ندارند، اما سعی کرده حرف امروز را با ادبیات و لحن خودش بزند و این تحسین‌برانگیز است. یا بگویم او و هر فیلم‌ساز دیگری حق دارد فیلمش را بسازد و به کسی ربطی ندارد که نسخه بیچدد. می‌توانیم از فیلمش خوشمان بیاید یا نایید و اصلا برویم برایش تندترین نقدا را بنویسیم، اما حق نداریم بگویم دیگر نسا؟

دوم: ارزیابی مستقل قاتل اهلی

کیمیایی همین حالا هم دارد فیلم می‌سازد. پس یک فیلم‌ساز است با یک فیلم و فیلم را می‌شود مستقلا ارزیابی کرد؛ با خودش و نه با وام‌گرفتن از پیشینه فیلم‌سازش (که به جای خود واجد ارزش است). «قاتل اهلی» سی‌امین فیلم فیلم‌ساز معتبرش محسوب می‌شود و این، قضاوت مستقل اثر را سخت‌تر می‌کند. قاتل اهلی پوسته‌ای سیاسی دارد، با بیانی صریح و تا حدود زیادی شعاری. یکی از آدم‌های اصلی فیلم هم رسماً چهره‌ای سیاسی، اما درست‌کار است که فعالیت اقتصادی گسترده‌ای هم دارد. اینکه کیمیایی سعی کرده حرف‌های مهم روز را با این لحن بزند، انتخاب اوست، ولی باید توجه داشت که آیا لحن او با تحولات سریع امروز، آپدیت شده



شرق: در این صفحه فیلم‌های جشنواره را هر روز ارزش‌گذاری می‌کنیم. جدول ارزش‌گذاری روزانه، به معنای انتخاب «بهترین» یا «بدترین» فیلم نیست. آرا به صورت روزانه و پس از گذشت زمانی کوتاه از نمایش فیلم از ارزش‌گذاران گرفته می‌شود.

عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، بی‌ارزش، دیده‌نشده = دیده‌نشده
● / بی‌ارزش / بد * = متوسط
* = خوب / * * = خیلی خوب / * * * * = عالی



علیم تسنیم

نشست خبری فیلم قاتل اهلی و دعوای کارگردان و تهیه‌کننده

جنجال در نیمه‌شب

کرد: این حجم بی‌اخلاقی از داخل خود فیلم که یکی از مهم‌ترین عنصرهای فیلم است، می‌آید. پولاد کیمیایی یک هنرپیشه است و هر وقت می‌خواهند به او حرف یا متلکی بگویند او را پسر کیمیایی خطاب می‌کنند، درحالی‌که او فیلم‌های کم‌دی و کوتاه‌ه هم بازی کرده و برای «قاتل اهلی» به عنوان یک خواننده تمرین کرد تا بدون جایگزینی با یک خواننده واقعی، بتواند بخواند. وی تأکید کرد: تا کی باید نیش زده شود که داریوش مهرجویی به جوش آید. نمی‌دانم این عصبیت‌ها را چه کارکنم. باین‌حال جای پرویز پرستویی در اینجا خالی است و درود به داریوش مهرجویی که به‌زودی نزد او خواهیم رفت.

۱۵دقیقه‌زیادی

پس از آن سؤالی درباره حضور پولاد کیمیایی و به‌طورکلی حاشیه‌های پیش‌آمده در فیلم مطرح شد که پولاد کیمیایی از خبرنگار مربوطه خواست این سؤال را از تهیه‌کننده فیلم بپرسد و لشکری قوچانی هم دراین‌باره گفت: به نظر دامن‌زدن به یک‌سری از حاشیه‌ها درست نیست چون فیلم «قاتل اهلی» فیلم خیلی خوبی است و بهتر هم خواهد شد. من اینجا مقاومت و ایستادگی می‌کنم و علاقه‌ام به استاد کیمیایی باعث شد وارد چنین پروژه سنگینی شوم. البته به نظرم حدود ۱۵ دقیقه بازی‌های فراتر از فیلم‌نامه وجود دارد که پس از جشنواره در جلساتی این موضوع را پیگیری خواهیم کرد. او که این بخش از صحبت‌هایش با اعتراض برخی حاضران در نشست هم روبه‌رو شده بود، ادامه داد: باورم بر این است که سینما یک کار گروهی است و با همین اعتقاد هم به سینما آمده‌ام. برای کار عوامل قوی را کنار هم چیده‌ام؛ یعنی تمام آنچه را که بلد بودم و تمام آنچه را که از استاد کیمیایی مطالعه کرده بودم در این پروژه استفاده کردم.وی افزود: ما ۹ ماه هرروز با استاد کیمیایی

درباره «قاتل اهلی»

فیلمی که قربانی شد

یا نه. اینکه کیمیایی ادبیات آدم‌های فیلمش را چطور انتخاب کند و چه کلماتی را در دهانشان بگذارد انتخاب اوست و فیلم‌نامه‌اش. اما اینکه این حرف‌ها با این لحن چقدر برای گوش‌های امروزی اندازه است و چقدر برای شنیدن جذابیت دارد، دیگر انتخاب او نیست، انتخاب مخاطب است. مشکل ابتدایی «قاتل اهلی» فیلم‌نامه‌ای است که نمی‌دانیم درباره چیست. درباره فساد اقتصادی و آرنخواناهی و عدالتخواهی؟ (بخش پرستویی)، درباره وفاداری و معرفت و رفاقت؟ (بخش امیر جدیدی) یا درباره هدف مقدس هنر و جایگاه هنر مردمی؟ (بخش پولاد) یا درباره عشق خارق عادت یک آقازاده؟ (بخش پگاه آهنگرانی). کدامش؟ واقعا کدامش؟ همین تکثر محورهای مضمونی موجب می‌شود این آدم‌ها نتوانند با هم درست دیالوگ برقرار کنند. دغدغه‌های کاملاً متفاوتشان گاه به هم نمی‌رسد؛ مثل یک‌سری خطوط متنافر، مشکل عمده دیگر، نقش نامعلوم و نامتناسب به طرز عجیبی زیاد پولاد کیمیایی است که تمامیت فیلم را تحت‌الشعاع قرار داده. حضور او و دیالوگ‌های مملو از شعار و مستقیم‌گویی و بازی غیرمنسجمش موجب شده او به پاشنه‌آشیل فیلم بدل شود. فیلم به نقش او نیسا دارد، ولی نه این همه زیاد و نه این همه بیجا. حجم صحنه‌های کنسرت بسیار زیاد است. آن‌قدر که نمی‌دانی یک فیلم را لای یک کنسرت می‌بینی یا بالعکس! گیرم که اشعار و ترانه‌هایی که خوانده می‌شود کلی حرف داشته باشد. خب این چه کارش به سینما؟ کنسرت بگویی حرف‌ها را بزینم دیگر. طبعاً با فیلم موزیکال هم که طرف نیستیم، من اگر پولاد کیمیایی بودم حتما از پدرم خواهش می‌کردم به نفع فیلم و به نفع خودم، مرا تا اندازه‌ای که لازم است در فیلم کم کند و تمرکز قصه را بر داستان پرستویی و جدیدی و البته پورحسینی بگذارد. «قاتل اهلی» فیلم عاشقانه‌ای نیست. درباره هنر و موسیقی‌به هم نیست. قصه پرستویی و جدیدی است. دوباره‌شدن فیلم و زوادیون بی‌دلیل شخصیت پولاد، باعث شده کاراکتر پگاه آهنگرانی هم بلاتکلیف و غیرمنسجم از آب درآید؛ گرچه بازی درخو

خنده‌های سازمان یافته

همچنین در این نشست، خبرنگاری گفت که هنگام نمایش فیلم عده‌ای به صورت سازمان‌یافته می‌خندیدند که یک خبرنگار دیگر هم در پاسخ به او گفت: شما از جانب خودتان صحبت کنید؛ از کجا می‌دانید این خنده‌ها سازمان‌یافته است؟ این گفت‌وگوها فضای نشست را ملتهب کرد. در ادامه خبرنگاری پرسید چرا به سمت ساخت یک اثر درباره حزب‌اللهی‌ها رفتید؟ کیمیایی پاسخ داد: «به‌هرحال این افراد هم در این جامعه زندگی می‌کنند و از طریق آنها می‌توان به وضع جامعه پی برد، اما شما به من بگویید حزب‌اللهی در این اثر چه کسی بود؟». این خبرنگار ادامه داد: «نقش پرویز پرستویی؟» کیمیایی این موضوع را رد کرد.کیمیایی درباره تدوین مجدد اثر برای اینکه زمان اکران کوتاه شود و به نسخه مطلوب تهیه‌کننده برسد، گفت: «مگر می‌شود تدوین دیگری داشته باشید؟ فیلم برای من است، اقتصاد آن برای قوچانی اما در کل هستی «قاتل اهلی» برای من است». مسعود کیمیایی نیز در این بخش بیان کرد: آقای قوچانی آدم محترمی است و کار او تبلیغ در تلویزیون است و این کار را به خوبی بلد است. او می‌خواست با ساخت این فیلم کنار من برای خود تبلیغ کند. حالا که دیده است به من نمی‌تواند بزند کند به پولاد و نقشی بند کرده است. این فیلم برای خود اندازه دارد. مگر من بعد از ۵۰ سال فیلم‌سازی به خاطر پسرم فیلم خود را کج‌وکوله کنم پولاد کیمیایی نیز بیان کرد: در این فیلم سگانس‌هایی از من، پگاه آهنگرانی و امیر جدیدی کم شده است. حتی سگانس پایان‌بندی فیلم با آنچه در فیلم‌نامه آمده متفاوت است و تبدیل به یک کلیپ موسیقی شده است. قوچانی در ادامه صحبت‌های پولاد کیمیایی که اعتراض می‌کرد گفت: پولاد جان شما سکوت کن. پولاد کیمیایی هم در پاسخ به او گفت: من هم‌جا سکوت کرده‌ام اگر حرفی دارید اینجا بزنید.

قوچانی در پاسخ به پولاد کیمیایی گفت: یکی از نکاتی که من همواره می‌خواهم رعایت شود قانون است. اگر قرار است کسی قضاوت کند قوه قضائیه و خانه سینماست. به‌هرحال فیلم‌نامه موجود است. اگر این فیلم به نتیجه نرسد من از سینما حذف می‌شوم، من تهیه‌کننده بخش خصوصی هستم، من با این شرایط فیلم می‌سازم؛ اگر هر حاشیه‌ای به فیلم من لطمه بزند از این کار جلوگیری می‌کنم.

دفاع جیرانی

در ادامه محمود گبرلو، خطاب به جیرانی گفت: شما تاریخ شفاهی سینما هستید؛ دراین‌باره چه باید کرد؟ جیرانی در این جلسه گفت: متأسفم این اتفاق افتاده و من برای حمایت از کیمیایی آمده‌ام. آقای کیمیایی مؤلف این اثر است. من از نامه پرستویی متأسفم. امروز که نامه مهرجویی را خواندم گریه‌ام گرفت. من وارد بحث نمی‌شوم و به احترام کیمیایی تعظیم می‌کنم. او سپس به نشانه اعتراض جلسه را ترک کرد. در پایان این جلسه از میان جمع علی علانی، منتقد سینما گفت: باید پای کیمیایی را بوسید. گبرلو گفت جلسه به پایان رسیده است؛ شما نظم جلسه را به هم می‌ریزید.

پنجره روبه جشنواره

درباره «ایستگاه اتمسفر»

یک فیلم‌اولی که می‌توانست بهتر باشد

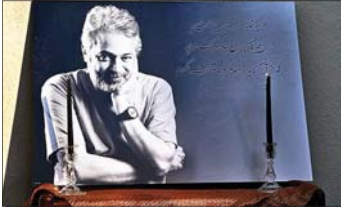


سحر عصر آزاد

● «ایستگاه اتمسفر» فیلمی است که بحران یک خانواده داغ‌دیده را به بحران دراماتیک مواجهه با تصویری متفاوت از فرد از‌دست‌رفته بدل می‌کند و البته می‌توانست با روندی پویاتر جذابیت بیشتری پیدا کند. نخستین تجربه کارگردانی «مهدی جعفری» که تا‌به‌حال به‌عنوان فیلم‌بردار در سینمای ایران فعالیت داشته، براساس فیلم‌نامه‌ای مشترک از خودش و مهین عباس‌زاده شکل گرفته است. فیلمی که با مجموعه‌ای از بازیگران حرفه‌ای در نقش‌های اصلی و اغلب نقش‌های فرعی و هدایت خوب آنها از یک استاندارد در بازیگری برخوردار است. فیلم قصه تلخ شکافی است که میان یک زوج جوان به وجود آمده و با پنهان‌کردن، آن را به بحرانی تبدیل می‌کند که مرگ ناگهانی یکی از آنها، این بحران را به کلافی در هم پیچیده تبدیل می‌کند. در واقع ویژگی خوب فیلم‌نامه و درام‌محوری این است که در یک سطح و موقعیت دراماتیک راکد نمی‌ماند، بلکه مرتب تغییر وضعیت می‌دهد و وارد سطحی جدید از بحران می‌شود که با‌آمده اطلاعات خود هستند و هر کشف جدید به‌منزله خوانش جدیدی است که به کاراکتر اضافه می‌شود. این روند یک سیر تدریجی و پله‌به‌پله دارد که اگر خشت اول آن به‌درستی بنا نشده باشد، طبعاً بقیه داستان را نیز لقم می‌کند؛ اما رویکرد خوب قصه باعث شده این مهم در فیلم لحاظ شده و تا حد زیادی تا پایان کار نیز حفظ شود. هرچند در میانه کار به‌واسطه رفت‌وبرگشت‌های متعدد قصه بین کارخانه، طلبکاران، دادگاه، خانه مادر و… این روند دچار رخوت و سکونی می‌شود که چه‌بسا بتوان با نگاهی مجدد انرژی و پویایی نهفته در درون این موقعیت دراماتیک را بیشتر وارد کار کرد، چراکه با کاراکتری مواجه هستیم که دستش از دنیا کوتاه است و چیدمان پازل شخصیتی او بی‌تأثیر بر بازل شخصیتی همسرش نیست و همین نکته، جذابیت کشف و افشا را در فیلم بیشتر می‌کند و می‌شد بهره بیشتری از این جذابیت برد. حضور رؤیا افشار و شاهرخ فروتنیان در نقش‌های غیرکلیشه‌ای یک خواهر و برادر که یکی آرام و صبور و دیگری عصبی و پرخاشگر اما هر دو کنش‌مند هستند، تصویری متفاوت از آنها ثبت می‌کند. به‌ویژه افشار که خوشبختانه هنوز در نقش‌های مادرانه این چنینی کلیشه نشده و البته فروتنیان که از کاراکتر آرام و خوش سخن همیشگی فاصله گرفته و هر دو حضوری قابل قبول و خوشایند دارند.

یاد

«جوهرچی» هم به خانه ابدی رفت



● شرق: مراسم وداع با حسن جوهرچی در صبح سرد بهمن‌ماه با این جمله آغاز شد: «با در پناه تو آمدی و با در پناه خدا بدرقأت می‌کنیم؛ همیشه در قلب ما هستی». یکشنبه، ۱۷ بهمن خانه سینما میزبان خیل عظیمی از هنرمندان و دوستداران حسن جوهرچی، بازیگر سینما و تلویزیون بود که آمده بودند تا با پیکر این بازیگر محبوب وداع و او را تا قطعه هنرمندان بدرقه کنند. همسر، فرزندان و خانواده این هنرمند فقید نیز در مراسم حضور داشتند و اجرای مراسم را کارمان ملکی عهده‌دار بود. امین تاریخ، خشیابار الوند، همایون اسعدیان، محمدحسین لطفی، پژمان بازغی، حبیب دهقان نسب، حسن پورشیرازی، جواد افشار، علیرضا شجاع‌نوری، لعیا زنگنه، رضا رفیع، رضا توکلی، بهزاد خداوسی، بهزاد رحیم‌خانی، رضا ناجی، محمد شیرزی، مهدی میامی، یغما گلرویی، منوچهر شاهسورای (مدیرعامل خانه سینما)، کارمان ملکی (عضو هیئت‌مدیره خانه سینما)، محمدرضا جعفری‌جلوه (مدیر شبکه دو)، … ازجمله هنرمندان حاضر در مراسم تشییع حسن جوهرچی بودند. ازدحام جمعیت در مراسم به حدی بود که انتقال پیکر این بازیگر فقید به‌سختی انجام شد. پس از برگزاری این مراسم پیکر زنده‌یاد حسن جوهرچی بر دوش دوستدارانش به سمت قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(س) بدرقه شد.